

بررسی عوامل موثر در میزان به کارگیری ارتباطات مشارکتی روستایی ایران (PRCA) از دیدگاه تسهیگران توسعه روستایی

ابراهیم جعفری



دوران حاکمیت گفتمان نوسازی موفق به برقراری ارتباط کامل، موثر و معنادار با مخاطبین خود نشدند. به همین دلیل روش های کیفی و کثرت گرا مورد توجه قرار گرفت تا این شکاف ارتباطی به وجود آمده را پر کند. تاکنون بیش از ۳۰ مورد از این دست شیوه ها ابداع شده اند که مشهورترین و پر استفاده ترین آنها، ارزیابی سریع روستایی (RRA)، ارزیابی مشارکتی روستایی (PRA) و ارزیابی مشارکت ارتباطات روستایی (PRCA) می باشد. در میان این روش های تحقیق مشارکتی آنچه مورد نظر پژوهشگر بود، آخرین رهیافت یعنی PRCA به دلیل تمرکز بر بعد ارتباطی این شیوه است. PRCA یک روش شناسی تحقیقی در زمینه ارتباطات مشارکتی است که به منظور شرکت دادن روستائیان در تشخیص عناصر ضروری و برای طراحی برنامه ها و راهبردهای ارتباطی موثر در توسعه روستایی مورد استفاده قرار می گیرد. PRCA ارتباطات را فرآیندی تعاملی می داند که ویژگی های آن عبارتند از: مبادله ایده ها، اطلاعات، نقطه نظرها و تجارب بین افراد و گروه ها و از سوی دیگر PRCA اساس مناسبی را برای کنترل و سازگاری روش های ارتباطی پایه گذاری می کند تا افراد شرکت کننده احساس کنند، برنامه به خودشان تعلق دارد. در فرآیند ارتباطات مشارکتی - تسهیگری جایگاه ویژه ای دارد. تسهیگری در روش PRCA که اندیشمندان (نظیر وایت و نایر) از آن به عنوان ارتباط گر کنش یار (Communicator Catalyst) هم یاد می کنند، با در اختیار داشتن مهارت های ارتباطی ویژه سعی در ایجاد انگیزه، توانمندسازی و هدایت مخاطبان خود به بروز کنش های عملی توسعه دارند.

ارتباط گری کنش یارانه (تسهیگری در PRCA) در بهترین شرایط خود تبدیل به نقشی می شود که مشارکت کنندگان با تاسی از آن یاد می گیرند که چگونه گفتگو کنند و با خود و دیگران تعامل داشته باشند.

ایجاد محیط مناسب برای گفتگو، یادگیری و تحول اولین دستور تسهیگری در رهیافت PRCA می باشد.

یکی دیگر از مفاهیم قابل ذکر و مطرح پدیده ای به نام مدرسه در مزرعه (Farmer Field School) است که اصطلاحاً به آن FFS می گویند. FFS در واقع مدرسه بدون دیوار است. از طریق مدرسه در مزرعه تعامل بین بهره برداران، تسهیگران و کارشناسان صورت می گیرد، در واقع یک حوزه عمومی شکل می گیرد که کنش های ارتباطی در آن خود را نمایان می سازند.

چارچوب نظری تحقیق
در این پژوهش دیدگاه های پائولوفریه (گفتگو، هشیارسازی، توانمندسازی)

هابرماس (حوزه های عمومی - کنش ارتباطی / و گفتگو)، چمبرز (دانش بومی و توانمندی/جوامع محلی) و جان سرواس (پژوهش مشارکتی) به عنوان نظریه های پشتیبان ارتباطات مشارکتی مورد توجه قرار گرفته اند. سوال اساسی تحقیق این است که عوامل موثر در میزان به کارگیری ارتباطات مشارکتی روستائیان ایران از دیدگاه تسهیگران (کنشگران) توسعه روستایی کدامند.

در این تحقیق ادراک سه دسته از کنشگران ارتباطات مشارکتی شامل مدیران و کارشناسان مسئول ستادی استانها، کارشناسان تسهیگر (دولتی) از کلیه استانها و نیز بهره برداران استان خوزستان مورد سنجش قرار گرفته اند.

مقاله

ارتباطات در گذر زمان

ارتباطات به عنوان یکی از شاخه های علوم اجتماعی در مسیر تکاملی خود از پارادایم های سایر شاخه های علوم اجتماعی تاثیر پذیرفته و بر آنها تاثیر گذارده است. همگام با تغییر رویکرد از رهیافت های مبتنی بر نوسازی به توسعه مشارکتی برداشت سنتی که ارتباطات را به عنوان مسیر یک طرفه انتقال پیام از فرستنده به گیرنده تعریف می کرد، از سوی دانشمندان به فرآیندی دوسویه و تعاملی تعریف شد.

دیدگاه دکتر تهرانیان واضع «الگوی ترکیبی» توسعه و ارتباطات

به نظر می رسد که درس های تاریخی سه دهه گذشته توسعه، بر نظریه های ارتباطات و توسعه تاثیر گذارده است تا از تاکید بر توسعه مادی به توسعه انسانی، و از مفاهیم پندارگرایانه یا مادی گرایانه توسعه به وابستگی متقابل، از تمرکز داخلی یا خارجی به تاثیر متقابل بین عوامل داخلی و خارجی در روند توسعه و بالاخره از مرکزیت رسانه های جمعی به اهمیت شبکه های ارتباطی میان فردی و جایگزین برسد و در همین راستا مقوله ای به نام ارتباطات مشارکتی مطرح شد، که یکی از تعریف های آن در جامعه روستایی به این صورت است: «ارتباطات مشارکتی یک تعامل دوسویه و پویاست که به واسطه گفتگو «روستائیان» را متحول کرده و آنان را توانمند می سازد تا در فرآیند توسعه به طور کامل وارد شده و خود اتکا شوند». شیوه های پژوهش و روش های تحقیق یکی از ملاک هایی است که دو پارادایم قدیم و جدید توسعه را از هم متمایز می سازد. روش های کمی و اثبات گرا در

یافته های تحقیق

می گویند . FFS در واقع مدرسه بدون دیوار است. از طریق مدرسه در مزرعه تعامل بین بهره برداران ، تسهیلگران و کارشناسان صورت می گیرد، در واقع یک حوزه عمومی شکل می گیرد که کنش های ارتباطی در آن خود را نمایان می سازند.

از طریق آزمون t (ویل کاکسون) به این نتیجه رسیدیم که هر سه گروه کنشگران ارتباطات مشارکتی (اعم از کارشناسان، تسهیلگران و بهره برداران) در سطح ۱٪ یا با ۹۹٪ اطمینان در مورد تاثیر رهیافت های مشارکتی بر مولفه های ارتباطات مشارکتی اتفاق نظر دارند. بطور طبیعی دومین فرضیه ما مبنی بر انعطاف پذیری نقش پژوهشگران و مروجان به تسهیلگری اثبات می شود زیرا بدون وجود تسهیلگر امکان تحقق اجرای رهیافت مشارکتی و در نتیجه ارتباطات مشارکتی وجود ندارد.

• از طریق آزمون t (من ویت نی) مشخص گردید وجود IPM.FFS (مدرسه در مزرعه) از نظر کارشناسان بر روی مولفه های گفتگو و همدلی در سطح ۵٪ (با ۹۵٪ اطمینان) اثرگذار بوده اما تسهیلگران معتقدند IPM.FFS بر روی هیچکدام از مولفه ها در سطح ۱٪ و ۵٪ اثری نداشته و بهره برداران براین عقیده اند که IPM.FFS بر روی مولفه های آگاه سازی و تصمیم سازی و تصمیم گیری در سطح ۱٪ (۹۹٪ اطمینان) و بر مولفه های خودشکوفایی و همدلی در سطح ۵٪ (۹۵٪ اطمینان) اثرگذار بوده است.

• بالاترین همبستگی ها بین ارتباطات اعم از سنتی، نوین و جمع، و نشریات با مولفه های ارتباطات مشارکتی حاصل شد.

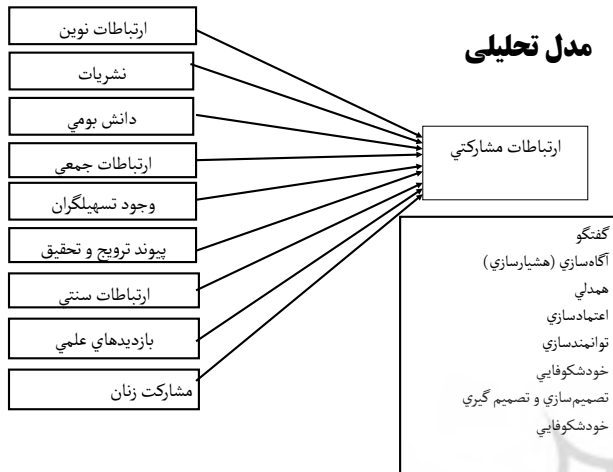
در فرآیند ارتباطات مشارکتی - تسهیلگری جایگاه ویژه ای دارد. تسهیلگری در روش PRCA، که اندیشمندان (نظیر وایت و نایر) از آن به عنوان ارتباط گر کنش یار (Communicator Catalyst) هم یاد می کنند، با در اختیار داشتن مهارت های ارتباطی ویژه سعی در ایجاد انگیزه، توانمندسازی و هدایت مخاطبان خود به بروز کنش های عملی توسعه دارند.

ارتباط گری کنش یارانه (تسهیلگری در PRCA) در بهترین شرایط خود تبدیل به نقشی می شود که مشارکت کنندگان با تاسی از آن یاد می گیرند که چگونه گفتگو کنند و با خود و دیگران تعامل داشته باشند.

ایجاد محیط مناسب برای گفتگو، یادگیری و تحول اولین دستور تسهیلگری در رهیافت PRCA می باشد.

یکی دیگر از مفاهیم قابل ذکر و مطرح پدیده ای به نام مدرسه در مزرعه (Farmer Field School) است که اصطلاحاً به آن FFS

مدل تحلیلی



مقاله

نتایج مشترک کنشگران ارتباطات مشارکتی روستایی بر حسب بالاترین میزان همبستگی

| بهره برداران | تسهیلگران | کارشناسان | |
|--------------|-----------|-----------|---------------------------------|
| ۰/۸۴۱ | ۰/۷۹۲ | ۰/۵۰۳ | ارتباطات جمعی و آگاهسازی |
| ۰/۷۴۹ | ۰/۵۴۵ | ۰/۵۰۸ | ارتباطات جمعی و خودشکوفایی |
| ۰/۶۳۹ | ۰/۵۷۷ | ۰/۵۲۳ | ارتباطات سنتی و اعتمادسازی |
| ۰/۷۹۲ | ۰/۶۵۶ | ۰/۶۵۱ | ارتباطات نوین و آگاهسازی |
| ۰/۵۸۸ | ۰/۷۳۰ | ۰/۴۹۸ | نشریات و آگاهسازی |
| ۰/۵۸۸ | ۰/۷۲۰ | ۰/۴۹۸ | بازدیدهای علمی و آگاهسازی |
| ۰/۷۷۷ | ۰/۲۳۲ | ۰/۶۵۴ | پیوند پژوهش ترویج و توانمندسازی |
| ۰/۷۴۹ | ۰/۵۴۵ | ۰/۲۲۲ | گردش علمی و خودشکوفایی |
| ۰/۶۲۳ | ۰/۵۲۰ | ۰/۲۷۵ | نشریات و همدلی |



- جایگاه زنان روستایی در رهیافت های مشارکتی و آموزش ها مناسب نیست.
- تسهیلگری به عنوان یک شغل ارزشمند شناخته نشده و احساس می شود که معاونت ترویج فاقد نیروهای علاقمند به امر تسهیلگری هستند.
- سرمایه اجتماعی با اجرای رهیافت های مشارکتی در جامعه روستایی ایران افزایش یافته است.
- دانشگاه جامع علمی، کاربردی نسبت به راه اندازی رشته ای به نام تسهیلگری یا مهارت های تسهیلگری اقدام نماید. ضمن اینکه به عنوان یکی از گرایشات ترویج در دانشگاه های دولتی هم می تواند مطرح باشد.
- روی آوری به سوی تحقیقات مشارکتی (نمونه: طرح آب پنیبر برای دامها، گلپایگان و...)
- پیشنهاد می گردد که به منظور حضور پژوهشگران مراکز تحقیقاتی در مزرعه و انتقال یافته های تحقیقاتی به کشاورزان و همکاری با تسهیلگران (دولتی) از امتیازاتی نظیر، ارتقاء رتبه یا پایه و.. برخوردار شوند تا انگیزه ای برای آنها به وجود آید.
- ایجاد یک مرکز تشکیل بانک اطلاعات برای دسترسی علاقمندان و... تا بتوانند از تمام طرح های مشارکتی مطلع گردند.

ازمجموع دیدگاه کارشناسان و تسهیلگران نتیجه می گیریم که (پیوند پژوهش و ترویج)، نقش زنان، دانش بومی، ارتباطات نوین، نشریات ارتباطات جمعی و ارتباطات سنتی ۵۹/۳ درصد از تغییرات ارتباطات مشارکتی را تبیین می کنند. این وضعیت در میان بهره برداران به این صورت است:

پیوند پژوهش و ترویج، نقش زنان، نشریات بازدیدهای علمی و ارتباطات سنتی ۷۹/۹ از تغییرات ارتباطات مشارکتی را تبیین می کنند.

نتیجه گیری

- توزیع نامناسب نیروهای شاغل در معاونت ترویجی (سه به یک یا در مواردی چهار به یک)
- کارشناسان با رشته های فنی کشاورزی، مثل باغبانی، گیاهپزشکی و زراعت ۳ برابر کارشناسان با گرایش های ترویجی و اجتماعی هستند.
- این وضعیت با رسالت ترویج در تناقض است.
- فقدان انسجام، وحدت رویه و درک مشترک از مقوله ارتباطات مشارکتی
- بومی نشدن رهیافت های مشارکتی نظیر PRA یا PRCA در جامعه روستایی ایران
- فقدان ایمان و تعهد به موضوع مشارکت از سوی مسئولان و استفاده شکلی از مشارکت
- از نظر محتوی وابستگی به تئوری ها و برنامه ریزی های از بالا به پایین که در نتیجه در مواردی با آثار نمایشی رهیافت های مشارکتی مواجه هستیم.

